

به نام خدا

از نظریه به عمل:

یادگیری فعال و تدریس خلاق در کلاس درس

مولفان :

رباب سرهنگی

شهلا صالح دوست

لیلا عباداللهیان

فرانک آقایان

سمیرا فوائیدی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : سرهنکی، رباب، ۱۳۵۸
 عنوان و نام پدیدآورندگان : از نظریه به عمل: یادگیری فعال و تدریس خلاق در کلاس درس / مولفان:
 رباب سرهنکی، شهلا صالح دوست، لیلا عباداللهیان، فرانک آقایان، سمیرا فوائیدی
 مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۶۵۶-۳۲-۵
 شناسه افزوده : صالح دوست، شهلا، ۱۳۵۷
 شناسه افزوده : عباداللهیان، لیلا، ۱۳۵۰
 شناسه افزوده : آقایان، فرانک، ۱۳۴۵
 شناسه افزوده : فوائیدی، سمیرا، ۱۳۶۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : از نظریه به عمل- یادگیری فعال و تدریس خلاق - کلاس درس
 رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
 رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : از نظریه به عمل: یادگیری فعال و تدریس خلاق در کلاس درس
 مولفان: رباب سرهنکی - شهلا صالح دوست - لیلا عباداللهیان - فرانک آقایان - سمیرا فوائیدی
 ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
 صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
 چاپ : زبرجد
 قیمت : ۱۵۵۰۰۰ تومان
 فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۶۵۶-۳۲-۵
 تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
فصل اول: مبانی نظری یادگیری فعال و تدریس خلاق.....	۱۳
مفهوم‌شناسی یادگیری فعال و تدریس خلاق.....	۱۶
سیر تحول تاریخی نظریه‌های یادگیری و ارتباط آن با خلاقیت آموزشی.....	۱۸
مبانی فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی یادگیری فعال.....	۲۱
اصول و ویژگی‌های کلیدی تدریس خلاق در نظام‌های آموزشی نوین.....	۲۳
نقش ساختن‌گرایی، انسان‌گرایی و یادگیری تجربی در رویکردهای نوین تدریس.....	۲۶
چالش‌های نظری و دیدگاه‌های انتقادی درباره یادگیری.....	۲۸
فصل دوم: پیوند نظریه و عمل در فرآیند یاددهی و یادگیری.....	۳۱
از نظریه تا عمل: چگونه نظریه‌های یادگیری در کلاس درس معنا می‌یابند.....	۳۳
مدل‌های عملی پیاده‌سازی نظریه‌های یادگیری فعال در آموزش.....	۳۶
نقش تعامل اجتماعی، گفت‌وگو و هم‌فکری در ساخت دانش.....	۳۸
راهبردهای خلاق برای پیوند دادن دانش نظری به تجربیات واقعی.....	۴۰
بررسی موردی: تطبیق نظریه ویگوتسکی، پیازه و دیوئی در کلاس درس.....	۴۳
طراحی موقعیت‌های یادگیری مبتنی بر مسئله، پروژه و تجربه.....	۴۵
فصل سوم: روش‌ها و راهبردهای تدریس خلاق در کلاس‌های یادگیری فعال.....	۴۹
تدریس تعاملی و کاربست روش‌های مشارکتی (بحث گروهی، ایفای نقش، کارگاه).....	۵۱
استفاده از فناوری‌های آموزشی و ابزارهای دیجیتال در خدمت خلاقیت.....	۵۴
راهبردهای طراحی تکلیف‌های باز و مسئله‌محور.....	۵۶
تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت از طریق پرسشگری و کاوشگری.....	۵۸

شیوه‌های خلاق در ارزشیابی یادگیری و بازخورد سازنده	۶۱
نقش هنر، بازی و داستان در تقویت تجربه یادگیری فعال	۶۴
فصل چهارم: نقش معلم در پرورش محیط‌های یادگیری فعال و خلاق	۶۷
معلم به عنوان طراح، تسهیل‌گر و الهام‌بخش یادگیری	۶۹
مهارت‌های حرفه‌ای و نگرش‌های مورد نیاز برای تدریس خلاق	۷۱
راهبردهای مدیریت کلاس در محیط‌های پویا و مشارکتی	۷۴
ایجاد فرهنگ یادگیری مبتنی بر اعتماد، احترام و تعامل	۷۶
مواجهه با مقاومت‌ها و موانع در مسیر اجرای یادگیری فعال	۷۹
الگوهای موفق معلمان خلاق و نوآور در ایران و جهان	۸۱
فصل پنجم: افق‌های نو و چشم‌اندازهای آینده در یادگیری فعال و تدریس خلاق ...	۸۵
آموزش ترکیبی، یادگیری دیجیتال و فرصت‌های خلاق در عصر فناوری	۸۷
نقش هوش مصنوعی و واقعیت افزوده در یادگیری فعال آینده‌محور	۹۰
تربیت معلم در مسیر نوآوری آموزشی و یادگیری مادام‌العمر	۹۲
ارزیابی نوین برای سنجش خلاقیت و مشارکت یادگیرندگان	۹۴
سیاست‌گذاری آموزشی و ضرورت نهادینه‌سازی رویکردهای فعال در مدارس	۹۷
پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده و توسعه حرفه‌ای در تدریس خلاق	۹۹
نتیجه‌گیری	۱۰۲
منابع	۱۰۵

پیشگفتار

تحولات شتابان علمی، فناوریانه و اجتماعی در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی را با چالش‌ها و الزامات نوینی مواجه ساخته است که بازنگری در شیوه‌های سنتی تدریس و یادگیری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این میان، نقش معلم به‌عنوان عنصر کلیدی فرایند تعلیم و تربیت، بیش از پیش برجسته شده است؛ نقشی که دیگر محدود به انتقال دانش نیست، بلکه مستلزم هدایت یادگیری، پرورش تفکر، ایجاد انگیزش و فراهم‌سازی بسترهای یادگیری معنادار برای فراگیران است. کتاب حاضر با تأکید بر پیوند میان مبانی نظری آموزش و کاربردهای عملی آن در کلاس درس، درصدد است تا پاسخی علمی و کاربردی به این نیاز اساسی ارائه دهد.

یادگیری فعال و تدریس خلاق به‌عنوان دو رویکرد مکمل و اثرگذار در آموزش نوین، بر مشارکت فعال فراگیران، تعامل سازنده، تفکر انتقادی و حل مسئله تأکید دارند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که یادگیری زمانی عمیق، پایدار و اثربخش خواهد بود که فراگیران در فرایند یادگیری نقش فعال داشته باشند و معلم بتواند با بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه، محیطی پویا و انگیزشی در کلاس درس ایجاد کند. از این منظر، فاصله میان نظریه‌های آموزشی و عمل تدریس، یکی از چالش‌های اساسی معلمان به‌شمار می‌رود؛ چالشی که این کتاب تلاش می‌کند به‌صورت هدفمند به آن بپردازد.

انگیزه نگارش این اثر، تجربه‌های آموزشی، تدریس و پژوهش در حوزه تعلیم و تربیت و آموزش علوم مختلف، به‌ویژه در بسترهای آموزشی رسمی بوده است. بسیاری از معلمان با وجود آشنایی نسبی با نظریه‌های یادگیری، در به‌کارگیری عملی آن‌ها در کلاس درس با دشواری‌هایی مواجه‌اند. این کتاب با رویکردی کاربردمحور، می‌کوشد مفاهیم نظری یادگیری فعال و تدریس خلاق را به زبان ساده اما علمی تبیین کرده و نمونه‌ها، راهبردها و الگوهایی عملی برای اجرای آن‌ها در محیط‌های آموزشی مختلف ارائه دهد.

در تدوین این کتاب، تلاش شده است تا تعادلی منطقی میان مباحث نظری و مصادیق عملی برقرار شود؛ به‌گونه‌ای که خواننده، ضمن آشنایی با چارچوب‌های مفهومی یادگیری فعال، بتواند آن‌ها را متناسب با شرایط کلاس درس خود به‌کار گیرد. محتوای کتاب به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که برای معلمان، دانشجویان معلمان، مدرسان دانشگاه و علاقه‌مندان به حوزه آموزش،

قابل استفاده و الهام‌بخش باشد. همچنین، توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران، تنوع سبک‌های یادگیری و شرایط بومی آموزشی، از اصول محوری این اثر به‌شمار می‌رود.

کتاب «از نظریه به عمل: یادگیری فعال و تدریس خلاق در کلاس درس» بر این باور استوار است که معلم خلاق، معلمی پژوهشگر و یادگیرنده مادام‌العمر است؛ فردی که همواره در حال تأمل در عمل آموزشی خود بوده و با بهره‌گیری از بازخوردها، تجربه‌ها و شواهد علمی، به بهبود مستمر تدریس می‌پردازد. در همین راستا، این کتاب می‌کوشد زمینه‌ای برای تقویت نگرش تأملی، خلاقیت حرفه‌ای و اعتمادبه‌نفس آموزشی معلمان فراهم آورد.

امید است این اثر بتواند گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت آموزش، تقویت یادگیری فعال در کلاس‌های درس و نزدیک‌تر ساختن نظریه‌های آموزشی به واقعیت‌های عملی آموزش بردارد و مورد استفاده جامعه آموزشی کشور قرار گیرد. بی‌تردید، تحقق آموزش اثربخش، در گرو تعامل اندیشه، عمل و تعهد حرفه‌ای معلمان است؛ تعاملی که این کتاب تلاش دارد آن را تقویت و تسهیل نماید.

مقدمه

تحولات گسترده علمی، فناوریانه، فرهنگی و اجتماعی در عصر حاضر، نظام‌های آموزشی را با شرایطی پیچیده و چندبعدی مواجه ساخته است که پاسخ‌گویی به آن‌ها مستلزم بازنگری اساسی در اهداف، ساختارها و شیوه‌های آموزشی است. در این میان، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عنصر انسانی نظام تعلیم و تربیت، نقشی تعیین‌کننده در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی ایفا می‌کنند. کیفیت عملکرد معلمان نه‌تنها بر سطح یادگیری دانش‌آموزان اثرگذار است، بلکه بر کارآمدی کلی نظام آموزشی و میزان تحقق توسعه انسانی نیز تأثیر مستقیم دارد. از این‌رو، توجه به ارتقای حرفه‌ای معلمان به‌عنوان یکی از اولویت‌های راهبردی نظام‌های آموزشی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود.

ارتقای حرفه‌ای معلمان مفهومی پویا، مستمر و چندساحتی است که فراتر از آموزش‌های مقطعی و ضمن خدمت تعریف می‌شود. این مفهوم، فرآیندی است که طی آن معلمان به‌طور مداوم دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی، شایستگی‌های حرفه‌ای و نگرش‌های خود را توسعه داده و متناسب با نیازهای نوین آموزشی بازآفرینی می‌کنند. در این راستا، پژوهش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه حرفه‌ای، جایگاهی محوری دارد و می‌تواند بستر مناسبی برای یادگیری عمیق، تفکر انتقادی و بهبود مستمر عملکرد معلمان فراهم آورد.

پژوهش آموزشی، معلمان را قادر می‌سازد تا از حالت مجری صرف برنامه‌های درسی خارج شده و به کنشگرانی فعال، تحلیل‌گر و مسئله‌محور در فرایند آموزش تبدیل شوند. معلم پژوهشگر با اتکا به شواهد علمی و بررسی نظام‌مند مسائل آموزشی، می‌تواند تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تری در کلاس درس اتخاذ کند و راهکارهایی متناسب با شرایط واقعی آموزشی ارائه دهد. این رویکرد، نه‌تنها موجب افزایش اثربخشی تدریس می‌شود، بلکه زمینه‌ساز رشد حرفه‌ای پایدار و ارتقای کیفیت یادگیری فراگیران خواهد بود.

در دهه‌های اخیر، رویکردهای نوین تعلیم و تربیت بر ضرورت پیوند میان نظریه و عمل تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی، فاصله میان دانش نظری تولیدشده در دانشگاه‌ها و عمل آموزشی در مدارس است. پژوهش معلمان می‌تواند به‌عنوان پلی میان این دو حوزه عمل کند و با بومی‌سازی نظریه‌های آموزشی، آن‌ها را به ابزارهایی کاربردی

برای حل مسائل واقعی کلاس درس تبدیل نماید. از این منظر، پژوهش نه تنها ابزاری برای تولید دانش، بلکه روشی برای بهبود عمل آموزشی و ارتقای حرفه‌ای معلمان محسوب می‌شود.

اهمیت پژوهش در حرفه معلمی از آن جا ناشی می‌شود که بسیاری از مسائل آموزشی، ماهیتی پیچیده، زمینه‌مند و وابسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی و فردی دارند. راه‌حل‌های کلی و از پیش تعیین‌شده، اغلب نمی‌توانند پاسخ‌گوی این پیچیدگی‌ها باشند. پژوهش به معلمان این امکان را می‌دهد که با نگاهی نظام‌مند، مسائل آموزشی را شناسایی کرده، علل آن‌ها را تحلیل نموده و راهکارهایی مبتنی بر شواهد و تجربه عملی ارائه دهند. این فرایند، موجب تقویت مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی و قضاوت حرفه‌ای در معلمان می‌شود.

از سوی دیگر، مشارکت معلمان در فعالیت‌های پژوهشی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت هویت حرفه‌ای آنان ایفا می‌کند. معلمانی که در پژوهش‌های آموزشی مشارکت دارند، معمولاً احساس خودکارآمدی بالاتری تجربه می‌کنند و نسبت به حرفه خود نگرشی مثبت‌تر دارند. این معلمان، آموزش را فرآیندی پویا و قابل بهبود می‌دانند و با رویکردی تأملی، همواره در پی ارتقای عملکرد خود هستند. چنین نگرشی، زمینه‌ساز نوآوری، خلاقیت و تحول در محیط‌های آموزشی خواهد بود.

با وجود تأکید اسناد بالادستی و سیاست‌های آموزشی بر اهمیت پژوهش و توسعه حرفه‌ای معلمان، در عمل چالش‌ها و موانع متعددی در این مسیر وجود دارد. کمبود زمان، فقدان آموزش‌های پژوهشی کاربردی، محدودیت منابع، فشارهای شغلی و نبود حمایت نهادی، از جمله عواملی هستند که مشارکت معلمان در فعالیت‌های پژوهشی را با دشواری مواجه می‌سازند. این چالش‌ها، ضرورت بررسی دقیق‌تر جایگاه پژوهش در ارتقای حرفه‌ای معلمان و شناسایی راهکارهای تقویت آن را دوچندان می‌کند.

پژوهش در حوزه معلمی می‌تواند در قالب‌های متنوعی همچون اقدام‌پژوهی، پژوهش در عمل، درس‌پژوهی و مطالعات توصیفی و تحلیلی انجام شود. این رویکردها، به‌ویژه زمانی اثربخش خواهند بود که با نیازهای واقعی معلمان و شرایط بومی مدارس هم‌راستا باشند. بهره‌گیری هدفمند از این روش‌ها، می‌تواند به بهبود کیفیت تدریس، ارتقای تعاملات آموزشی و افزایش انگیزش یادگیری در دانش‌آموزان منجر شود.

از منظر سازمانی، توسعه فرهنگ پژوهش در مدارس و مراکز آموزشی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌های آموزشی و بهبود عملکرد نظام تعلیم و تربیت دارد. مدارس که پژوهش

را به عنوان بخشی از فعالیت‌های حرفه‌ای معلمان نهادهای میزبان کیفیت تصمیم‌گیری‌های آموزشی و بهبود عملکرد نظام تعلیم و تربیت دارد. مدرسی که پژوهش را به عنوان بخشی از فعالیت‌های حرفه‌ای معلمان نهادهای میزبان می‌کند، معمولاً از پویایی، نوآوری و اثربخشی بیشتری برخوردارند. در چنین محیط‌هایی، معلمان به یادگیرندگانی مادام‌العمر تبدیل می‌شوند و یادگیری سازمانی به عنوان یک ارزش محوری مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مجموع، توجه به پژوهش به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در ارتقای حرفه‌ای معلمان، مستلزم تغییر نگرش نسبت به نقش معلم، بازنگری در برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای و ایجاد بسترهای حمایتی مناسب است. مقاله حاضر با هدف تحلیل و بررسی اهمیت پژوهش در ارتقای حرفه‌ای معلمان، می‌کوشد ابعاد مختلف این موضوع را تبیین کرده و با نگاهی تحلیلی، نقش پژوهش را در بهبود عملکرد حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت نظام آموزشی مورد بررسی قرار دهد.

یادگیری فعال و تدریس خلاق دو مفهوم بنیادین در ادبیات آموزشی معاصر هستند که به عنوان محورهای اصلی تحول در فرآیند یاددهی - یادگیری مطرح می‌شوند. در عصر دانش‌محور و جامعه اطلاعاتی، دیگر نمی‌توان با شیوه‌های سنتی، نیازهای پیچیده و متنوع فراگیران را پاسخ داد. آموزش امروزی نیازمند روش‌هایی است که مشارکت، تعامل، تفکر انتقادی و خلاقیت را در دانش‌آموزان برانگیزد. در این میان، یادگیری فعال به عنوان رویکردی پویا و مشارکتی، تأکید دارد که یادگیری زمانی اثربخش است که دانش‌آموز در مرکز فعالیت‌های یادگیری قرار گیرد و از یک دریافت‌کننده منفعل به یادگیرنده‌ای فعال، جست‌وجوگر و اندیشمند تبدیل شود. تدریس خلاق نیز به معنای استفاده از ایده‌های نو، روش‌های انعطاف‌پذیر و تفکر مبتکرانه برای طراحی و اجرای آموزش است، به گونه‌ای که تجربه یادگیری برای فراگیران جذاب، معنادار و برانگیزاننده باشد. در واقع، پیوند میان یادگیری فعال و تدریس خلاق، نقطه تلاقی نظریه و عمل آموزشی است. نظریه‌های یادگیری از جمله ساختن‌گرایی، انسان‌گرایی و یادگیری تجربی، همگی بر اهمیت مشارکت فعال یادگیرنده و ساخت معنا از طریق تعامل با محیط تأکید دارند. بر اساس دیدگاه ساختن‌گرایی پیازه، یادگیری فرآیندی فعال است که طی آن دانش‌آموز از طریق تجربه، کاوش و بازسازی مفاهیم به درک عمیق‌تری می‌رسد. از سوی دیگر، ویگوتسکی با تأکید بر بُعد اجتماعی یادگیری، نقش تعامل، گفت‌وگو و همکاری را در رشد شناختی برجسته کرده است. (اکبری، م. ۱۳۹۸).

این نظریات در عمل آموزشی زمانی به بار می‌نشینند که معلم بتواند با استفاده از خلاقیت خود، محیطی طراحی کند که در آن یادگیرندگان از طریق پرسشگری، اکتشاف، هم‌اندیشی و حل مسئله، مفاهیم را به صورت شخصی و عمیق درک کنند. در کلاس درسی که یادگیری فعال و تدریس خلاق هم‌زمان حضور دارند، نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات به طراح، تسهیل‌گر و راهنما تغییر می‌یابد. چنین معلمی با درک عمیق از فرایندهای شناختی و هیجانی دانش‌آموزان، می‌کوشد فرصت‌هایی برای تجربه مستقیم، تعامل گروهی و یادگیری مبتنی بر مسئله فراهم آورد. او با به‌کارگیری روش‌هایی چون بحث گروهی، ایفای نقش، پروژه‌های پژوهشی، کارگاه‌های عملی و استفاده از فناوری‌های نوین، زمینه‌ای می‌سازد که یادگیری نه صرفاً انتقال دانش بلکه بازآفرینی و کشف آن باشد. تدریس خلاق، به معلم امکان می‌دهد تا با ایجاد موقعیت‌های چالش‌برانگیز و طراحی فعالیت‌های متنوع، انگیزه درونی دانش‌آموزان را بیدار کند و حس کنجکاوی آن‌ها را پرورش دهد. یادگیری فعال با فلسفه‌ای مبتنی بر خودانگیختگی و مسئولیت‌پذیری یادگیرنده شکل می‌گیرد. در این رویکرد، معلم تلاش می‌کند شرایطی ایجاد کند که دانش‌آموزان با درگیر شدن در فرآیند یادگیری، نه تنها به دانش برسند بلکه مهارت‌های اندیشیدن، تحلیل، قضاوت و تصمیم‌گیری را نیز کسب کنند. این رویکرد، علاوه بر بهبود عملکرد تحصیلی، احساس تعلق، خودکارآمدی و اعتمادبه‌نفس یادگیرندگان را نیز تقویت می‌کند. از سوی دیگر، تدریس خلاق به عنوان یک فرآیند پویا و منعطف، می‌تواند چارچوب لازم برای اجرای مؤثر یادگیری فعال را فراهم کند. خلاقیت معلم در انتخاب محتوا، طراحی فعالیت‌ها، استفاده از مثال‌ها و شیوه‌های ارزیابی، تعیین‌کننده میزان موفقیت در تحقق یادگیری معنادار است. در عصر جدید که فناوری‌های آموزشی، هوش مصنوعی و یادگیری ترکیبی وارد نظام‌های آموزشی شده‌اند، مفهوم یادگیری فعال بیش از پیش اهمیت یافته است. محیط‌های یادگیری دیجیتال فرصتی فراهم می‌کنند تا دانش‌آموزان بتوانند با استفاده از ابزارهای تعاملی، شبیه‌سازی‌ها، بازی‌های آموزشی و منابع چندرسانه‌ای در فرآیند یادگیری نقش مؤثرتری ایفا کنند. در چنین شرایطی، خلاقیت معلم در انتخاب و ترکیب ابزارهای نوین با روش‌های سنتی، می‌تواند کیفیت آموزش را ارتقا دهد. او باید بتواند میان فناوری و تجربه انسانی تعادل برقرار کند تا یادگیری به تجربه‌ای عمیق و انسانی تبدیل شود. پیوند میان نظریه و عمل در زمینه یادگیری فعال و تدریس خلاق زمانی محقق می‌شود که معلمان از نظریه‌های یادگیری صرفاً برای توجیه علمی کار خود استفاده نکنند، بلکه آن‌ها را در طراحی روزانه تدریس به کار گیرند. نظریه‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی هر کدام می‌توانند راهنمایی برای درک بهتر فرآیند یادگیری باشند. به عنوان مثال، نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا می‌تواند به معلم نشان دهد

که چگونه الگوسازی، بازخورد و پاداش می‌توانند رفتارهای یادگیری را تقویت کنند. همچنین، نظریه انگیزش خودتعیین‌گری دسی و رایان بر اهمیت انتخاب، خودمختاری و احساس شایستگی در یادگیرندگان تأکید دارد که با اهداف یادگیری فعال هماهنگ است. تدریس خلاق همچنین به معلم امکان می‌دهد تا تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را بپذیرد و شیوه‌های متنوعی برای یادگیری آن‌ها فراهم کند. در کلاس‌های خلاق، اشتباه کردن به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری تلقی می‌شود، نه نشانه ناتوانی. چنین نگاهی باعث می‌شود محیطی امن برای تجربه، آزمون و خطا ایجاد شود که در آن، دانش‌آموزان بدون ترس از قضاوت، ایده‌های خود را مطرح کنند. این فضا، بستری برای رشد تفکر واگرا، خلاقیت و نوآوری است. (جاویدی، ک. (۱۳۹۸).

معلم خلاق با طرح سؤالات باز و موقعیت‌های مسئله‌محور، به جای پاسخ دادن، دانش‌آموزان را به جست‌وجوی پاسخ سوق می‌دهد و از این طریق مهارت‌های استدلال و تفکر انتقادی را تقویت می‌کند. یادگیری فعال نه تنها دانش‌آموزان را درگیر محتوا می‌کند بلکه ارتباط میان یادگیری و زندگی واقعی را نیز تقویت می‌نماید. وقتی فعالیت‌های آموزشی با تجربه‌های روزمره، علایق و نیازهای یادگیرندگان پیوند بخورند، معنا و انگیزه یادگیری افزایش می‌یابد. تدریس خلاق این امکان را فراهم می‌سازد که موضوعات درسی از طریق مثال‌های واقعی، داستان، هنر، موسیقی یا پروژه‌های اجتماعی به زندگی نزدیک شوند. این پیوند میان یادگیری و واقعیت، موجب پایداری دانش و انتقال آن به موقعیت‌های جدید می‌شود. یکی از چالش‌های مهم در تحقق یادگیری فعال و تدریس خلاق، مقاومت در برابر تغییر است. بسیاری از نظام‌های آموزشی همچنان بر امتحان‌محوری و حفظیات تأکید دارند و معلمان نیز گاه به دلیل کمبود زمان، منابع یا حمایت نهادی، از به‌کارگیری روش‌های نو باز می‌مانند. (احمدی، ر.، و محمدی، س. (۱۳۹۷).

فصل اول

مبانی نظری یادگیری فعال و تدریس خلاق

یادگیری فعال و تدریس خلاق به عنوان دو مفهوم کلیدی در آموزش معاصر، در قلب تحولات آموزشی قرن بیست و یکم قرار دارند. مبانی نظری این دو رویکرد ریشه در تغییر نگرش از آموزش معلم‌محور به آموزش یادگیرنده‌محور دارد؛ جریانی که بر نقش فعال فراگیر در فرآیند یادگیری تأکید می‌کند و بر این باور است که یادگیری زمانی معنا دارد که یادگیرنده در ساخت دانش خود مشارکت داشته باشد. در گذشته، آموزش عمدتاً بر انتقال دانش از معلم به دانش‌آموز استوار بود و یادگیرندگان نقش پذیرنده‌ای منفعل داشتند. اما با ظهور نظریه‌های شناختی، ساختن‌گرایی و انسان‌گرایی، نگرش به یادگیری دگرگون شد و یادگیرنده به عنوان عامل فعال، خلاق و مشارکت‌جو در مرکز فرآیند آموزشی قرار گرفت. مبانی فلسفی یادگیری فعال در اندیشه‌های متفکرانی چون سقراط، روسو، پستالوچی، دیوئی و پیازه نهفته است. سقراط با طرح پرسش‌های چالشی، یادگیری را فرایند زایش اندیشه در ذهن انسان می‌دانست. جان دیوئی با تأکید بر تجربه و تأمل، یادگیری را حاصل تعامل انسان با محیط تعریف کرد. او باور داشت آموزش باید از تجربه‌های واقعی زندگی سرچشمه بگیرد تا برای یادگیرنده معنا دار باشد. از دیدگاه دیوئی، یادگیری فعال به معنای مشارکت مستمر یادگیرنده در فرآیند اکتشاف و حل مسئله است. پیازه نیز با نظریه رشد شناختی خود، یادگیری را فرآیندی سازنده معرفی کرد که در آن کودک با دستکاری محیط، ساختارهای ذهنی خود را تغییر می‌دهد و دانش را می‌سازد.

در نظریه ساختن‌گرایی، دانش نه انتقال‌پذیر است و نه چیزی از پیش آماده که از معلم به شاگرد منتقل شود؛ بلکه هر فرد بر اساس تعامل با محیط و تجربه‌های شخصی، معنا و دانش خود را می‌سازد. این دیدگاه یکی از ستون‌های نظری یادگیری فعال است. بر اساس این نظریه، معلم باید شرایطی را فراهم کند که یادگیرنده از طریق کاوش، آزمایش، بحث و تجربه به کشف معنا برسد. چنین رویکردی یادگیری را به فرآیندی پویا و درونی تبدیل می‌کند که در آن خلاقیت،

انگیزش درونی و خودتنظیمی پرورش می‌یابد. از سوی دیگر، ویگوتسکی با نظریه فرهنگی - اجتماعی خود بُعد جدیدی به یادگیری فعال افزود. او بر این باور بود که یادگیری در بستر اجتماعی رخ می‌دهد و تعامل با دیگران نقشی بنیادین در رشد شناختی دارد. مفهوم «منطقه مجاور رشد» در نظریه ویگوتسکی نشان می‌دهد که یادگیرندگان در تعامل با دیگران می‌توانند به سطوح بالاتری از یادگیری دست یابند. این اصل، اساس طراحی فعالیت‌های گروهی، یادگیری همکارانه و تدریس خلاق در کلاس‌های یادگیری فعال است. مبانی روان‌شناختی یادگیری فعال، ریشه در نظریه‌های شناختی دارد که بر پردازش اطلاعات، توجه، حافظه و تفکر تأکید می‌کنند. یادگیری فعال به فراگیر کمک می‌کند تا از سطح یادآوری اطلاعات فراتر رفته و به سطوح بالاتر تفکر چون تحلیل، ارزیابی و آفرینش برسد. در این مسیر، نظریه بلوم با طبقه‌بندی اهداف شناختی خود، چارچوبی برای طراحی فعالیت‌های یادگیری فعال فراهم کرده است. (اکبری، م. ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، نظریه انگیزش خودتعیین‌گری دسی و رایان نشان می‌دهد که سه نیاز روانی اساسی، یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط، از عوامل اصلی در شکل‌گیری انگیزش درونی هستند. تدریس خلاق با فراهم کردن فرصت‌هایی برای انتخاب، اظهار نظر و تجربه موفقیت، این نیازها را برآورده می‌کند و انگیزه یادگیری را تقویت می‌نماید. از منظر انسان‌گرایی، یادگیری زمانی اثربخش است که کل وجود فرد در فرآیند یادگیری درگیر شود. کارل راجرز، از چهره‌های برجسته این دیدگاه، تأکید داشت که آموزش باید بر تجربه شخصی، احساس ارزشمندی و خودبیانگری فرد استوار باشد. در چنین فضایی، معلم نه به‌عنوان اقتدار آموزشی بلکه به‌عنوان راهنما و تسهیل‌گر عمل می‌کند. این نگرش زیربنای مهمی برای تدریس خلاق است، زیرا خلاقیت تنها در محیطی شکوفا می‌شود که در آن امنیت روانی، پذیرش و احترام متقابل وجود داشته باشد. از نظر اجتماعی، یادگیری فعال بر مشارکت، همکاری و تعامل میان یادگیرندگان تأکید دارد. یادگیری گروهی و تعاملی نه تنها به درک عمیق‌تر مفاهیم می‌انجامد بلکه مهارت‌های ارتباطی، همدلی و تفکر جمعی را نیز پرورش می‌دهد. این مهارت‌ها از ارکان مهم تربیت شهروندان خلاق و مسئول در جوامع مدرن است. معلمان خلاق می‌دانند که کلاس درس باید بازتابی از جامعه‌ای کوچک باشد که در آن گفت‌وگو، همفکری و احترام به دیدگاه‌های متفاوت نهادینه شده است. (باقری، ف. ۱۳۹۹).

تدریس خلاق نیز در مبانی نظری خود از ترکیب نظریه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی بهره می‌گیرد. خلاقیت در تدریس، به معنای توانایی معلم در ارائه محتوای آموزشی به شیوه‌هایی تازه و الهام‌بخش است. تورنس خلاقیت را ترکیبی از سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط ایده‌ها می‌داند؛ ویژگی‌هایی که در تدریس خلاق به کار گرفته می‌شوند. در واقع، معلم خلاق از چارچوب‌های سنتی فاصله می‌گیرد و با طراحی فعالیت‌هایی چالش‌برانگیز، دانش‌آموزان را به تفکر واگرا سوق می‌دهد. نظریه‌های یادگیری تجربی کلب نیز یکی از پایه‌های اصلی یادگیری فعال به شمار می‌آید. کلب با ارائه چرخه یادگیری شامل تجربه عینی، مشاهده بازتابی، مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایش فعال، نشان داد که یادگیری یک فرآیند چرخه‌ای و پویاست. بر اساس این مدل، یادگیرنده از طریق تجربه مستقیم و تأمل بر آن، به درک و دانش جدیدی می‌رسد. در کلاس درس، این چرخه با فعالیت‌هایی مانند پروژه، کارگاه، آزمایش، بازی‌های آموزشی و بحث‌های تحلیلی تحقق می‌یابد. از منظر شناختی، یادگیری فعال باعث تقویت شبکه‌های ذهنی، سازمان‌دهی بهتر دانش و انتقال مؤثرتر آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید می‌شود. دانش‌آموزان در فرایند مشارکتی، مفاهیم را بازسازی کرده و از طریق گفت‌وگو و استدلال، معناهای مشترک می‌آفرینند.

این فرآیند نه تنها دانش را پایدارتر می‌کند بلکه مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری را نیز تقویت می‌نماید. تدریس خلاق، ابزار تحقق این اهداف است زیرا از معلم می‌خواهد که روش‌های سنتی مبتنی بر سخنرانی را با رویکردهای پویا جایگزین کند. در مبانی نظری تدریس خلاق، مفهوم «انعطاف در طراحی آموزشی» اهمیت ویژه‌ای دارد. معلم باید بتواند محتوای درسی را متناسب با نیاز، علاقه و سبک یادگیری دانش‌آموزان تطبیق دهد. به بیان دیگر، تدریس خلاق به معنای توانایی در بازآفرینی موقعیت‌های یادگیری است نه صرفاً ارائه آن‌ها. از این منظر، خلاقیت معلم به او امکان می‌دهد که یادگیری را به تجربه‌ای زنده و ماندگار تبدیل کند. افزون بر این، یادگیری فعال از دیدگاه شناخت اجتماعی بندورا نیز قابل تبیین است. بر اساس این نظریه، مشاهده و الگوبرداری از دیگران نقش مهمی در یادگیری دارد. وقتی دانش‌آموزان معلم یا همکلاسی‌های خود را در حال تفکر، آزمون یا حل مسئله می‌بینند، از طریق فرآیند مشاهده‌ای، رفتارهای یادگیری مؤثر را درونی می‌سازند. (جاویدی، ک. (۱۳۹۸).